

# افغانستان از اد – از اد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از ان به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical	تاریخی
------------	--------

داکتر اجرالدین حشمت



## از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

«عشق شور انگیز ، ما را بر سر کوی تو برد  
بر تلاش خود چه می نازم که ره کوی تو برد»

### بخش اول

#### عوامل و انگیزه های جنبش مشروطه خواهی در افغانستان

##### الف – عوامل داخلی :

افغانستان با تاریخ درخشان خود از جمله قدیمترین کشورهای جهان است ( ۱ ) که در پهنای تاریخ ، حلقه اتصال تمدن های مختلف دنیا بوده و حیثیت شا هراه تجارتی را بین ممالک اسیا و قاره های اروپا و اسیا دارا است و همین موقعیت جغرافیائی ان سبب شده تا در جریان تکامل تاریخ طولانی خود بار ها مورد تجاوز و تهاجم کشور کشایان قرار بگیرد که هر بار ساکنان ان با شجاعت و مردانگی از استقلال ، تمامیت ارضی ، حاکمیت و هویت ملی خود دفاع نموده اند .

حملات آشوری ها در قرن هفتم قبل از میلاد ، تاراج و ویرانی باختر توسط مردم سوار کار و چادر نشین ماور النهر – آسیای مرکزی ، استیلای دولت هخامنشی ها ( ۵۴۵-۵۳۹ ق م ) جانب خاور و به تعقیب آن تهاجم سکندر مقدونی ( ۳۳۰ ق م ) سوی خاور ، لشکر کشی اعراب ( ۶۷۰ م ) ، هجوم مغلان چنگیزی ( ۶۰۰ هـ ) ، ویرانی

شهرها و قتل عام مردم بی گناه ، ظهور تیمورگورگانی و باز هم تخریب شهرها، کشتار شهروندان و ساختن کله منارها و همچنان تحریکات دولت صفوی (۱۶۲۰م) ، نفاق و خانه جنگی میان پسران تیمور شاه ابدالی ، برخوردها و رقابت های قدرت طلبانه بین سدوزائی ها و پسران پابنده محمد خان ، سرانیز شدن انگلیس ها در هند (تأسیس کمپنی شرق الهند - ۱۶۰۰م) و تجاوزات مکرر آنها به افغانستان (۱۸۳۹، ۱۸۷۸ و ۱۹۱۹ م) مداخله شوروی دیروز (۱۹۷۸م) و متعاقب آن تجاوز آن کشور در سال (۱۹۷۹) ، تحریکات و مداخلات مستقیم پاکستان تحت نام طالبان (۱۹۹۴م) و ده ها فاجعه دیگر مردم این سرزمین را مجال تنفسی کوتاه نداده که این همه افت و خیزهای خونین تسلسلی از حوادث را تشکیل میدهند که در واقع تکامل درنگ نا پذیر تاریخ مبارزات این کشور کهن سال را رقم می زنند .

چون این بخش به منظور ارزیابی عوامل وانگیزه های ظهور جنبش مشروطیت در افغانستان اختصاص داده شده است ، فلذا از تحلیل و بررسی بیشتر رویداد های فوق الذکر عجلتاً منصرف شده ، زمینه های بروز مشروطه طلبی را که مصادف به آغاز دوره امیر حبیب الله خان است به بررسی میگیریم و هم بی مورد نخواهد بود اگر جهت مطالعه بهتر زمینه های فوق الذکر و برداشت روشنتر از تسلسل حوادث دو دهه اخیر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ( دوره سلطنت حبیب الله خان و زمان امارت اسارت بار پدرش - امیر عبد الرحمان خان ) را که نطفه های جنبش آزادی خواهی در بطن جامعه آن دوران به حرکت افتادند و نیز اوضاع قبل از آن را طور خیلی شتابنده و گذرا مرور نمائیم :

### اول - نگاهی گذرا بر اوضاع کشور قبل از سلطنت امیر حبیب الله خان :

۱ - **نظام اشتراکیه اولیه :** طوریکه اسناد باستان شناسی نشان میدهد افغانستان یکی از قدیمترین کانون های مدنیت ما قبل تاریخ (۲) در منطقه بوده و از نظر غنای فرهنگی با ممالک نظیر بین النهرین ، فلسطین ، مصر ، چین ، هند ، شمال عراق ، آسیای مرکزی ، ایران و غیره برابری میکند . بنابراین این کشور برای تحقیق عصر گله های انسانی ( انسان های غار نشین ) نظام اشتراکیه اولیه و بردگی خیلی مناسب میباشد . در کتاب « افغانستان ما قبل آریائی » اثر نورالله تالقانی که از قدیمترین مرحله غارنشینی یعنی عصر انسان های گله ئی تذکر گرفته و به عهد انسان های نیندرتال ارتباط دارد ، چنین می خوانیم : « با تکیه با بررسی ابزار مکشوفه غار قره کمر تکامل تاریخی سایر غار نشینان افغانستان را میتوان ترسیم کرد : داکتر کون بعد از مطالعه این ابزار که نظر به قول احمد علی کهزاد در شیکاگو و فلاذ لفیای امریکا مورد تجزیه قرار داده است عقیده دارد که قدیمترین مراحل اشغال غار مذکور بین ۵۰ - ۳۰ هزار سال قبل از امروز قرار میگیرد و ابزار این غار به ابزار انسان های تیپ نیندرتال ارتباط پیدا میکند ..... این حفاریات برای اولین بار کشفیات باستان شناسی و انسان شناسی جهان اولیه در افغانستان را بنیان گذاشته . » (۳) مرحله ای که داکتر کون در فوق به آن اشاره کرد عصر غارنشینی قبل از نظام اشتراکیه اولیه را در کشور نشان میدهد که خوشبختانه نواحی شمال و شمال شرقی افغانستان برای تحقیق و کاوش های باستان شناسی خیلی ها مساعد است .

قابل تذکر است که از حوادث مهم آغاز این دوره ظهور انسان در روی زمین « يك ميليون سال قبل » (۴) و از دست آورد های آن کشف آتش است که انسان های اولیه را در مسیر انکشاف و ارتقاء جامعه شان فوق العاده یاری نموده است . در اثر تکامل تدریجی نیروهای تولیدی و تغییر مناسبات آن ، جامعه اولیه غار نشین به نظام اشتراکیه اولیه تبدیل می شود که در افغانستان اثرات آن در ناحیه پنجوائی قندهار ، هزار سم سمنگان قابل لمس است . مرحوم

کهزاد در اثر تاریخیش « افغانستان در پرتو تاریخ » با نتیجه گیری از آثار مکشوفه باستان شناسان امریکائی در ناحیه پنجوائی قدهار به ارتباط گذار از گله های انسان غارنشین به نظام اشتراکیه اولیه مینویسد : « مردمانیکه مدتها در غارهای کوه های پنجوائی زیست می نمودند بالاخره از غارها در پای کوه پائین شده به زندگی زمین داری در سواحل چپ ارغنداب مشغول گردیدند و پنجوائی یکی از نقاط رهائشی آنها بوده به کشت و زراعت در آنجا پرداخته اند و از آن روز گار باستان یعنی پنج هزار سال به اینطرف همیشه پنجوائی قصبه حاصل خیز بوده است . »

پیدایش زراعت و مالداری ، استعمال فلزات و غیره که از دست آورد های مهم نظام اشتراکیه اولیه به شمار میرود باعث ارتقای نیروهای مؤلده و تولید مازاد گردیده که در نتیجه آن جامعه اشتراکیه دگرگون و به جای آن نظام بردگی (۳۰۰۰ سال قبل از میلاد) رونق یافت . (۵)

**۲ - جامعه بردگی :** نتایج تحقیقات انسان شناسی در آسیای میانه نشان دهنده آنست که مهاجرین هند و اروپائی «آریائی ها» (۶) از برده داری دوره پدرشاهی اطلاع داشته و نیز قرار شواهد تاریخی در عهد «اوستا» هم برده وجود داشته است . پیرامون برده های باختر ، سغد ، فرغانه و پارت که متعلق به دوره های بعدی است معلومات کافی جمع آوری و به دست محققین قرار دارد . مطابق اظهار بابا جان غفورف در «مکتوب های قدیمه سغدی و دیگر آثار خطی سغدیان اصطلاحاتی از قبیل : وندک ، بنده ، غلام ، دیه ، نوکر ، نی پک ها ، و نک ها ، بندک و غیره» به نظر میخورد که تمام آنها معادل کلمه برده میباشد .

اگر سیر انکشاف بردگی در ایران ، افغانستان و آسیای میانه (که شباهت های نزدیک با هم دارند) با روم و یونان باستان و مصر مقایسه گردد ، هم تفاوت های زمانی و هم اختلافات در شکل رابطه برده با تولید مشاهده میگردد که این تفاوت ها محصول عوامل متعدد اجتماعی و اقتصادی است که در جوامع مذکور حکمفرما بود . رسم بردگی در مصر و بین النهرین در هزاره چارم قبل از میلاد رونق می یابد ، در حالیکه در یونان باستان در قرن هشتم یا ششم ، در روم در قرن ششم (۷) منحصیث سیستم مسلط اقتصادی و اجتماعی دوران به وجود می آید ، اما در آسیای میانه (که با افغانستان روابط نزدیک اجتماعی و اقتصادی داشت) نطفه های نظام برده داری فقط از آغاز هزاره یکم رشد می نماید، چنانچه باباجان غفورف مؤلف کتاب «تاجیکان» در مورد رشد جامعه موصوف در آسیای میانه چنین ابراز نظر می نماید :

« پس از آنکه آسیای میانه در دایره نظری آثار خطی شامل گشت با ز در مدت چندین قرن ، بقایای ساختمان ابتدائی اجتماعی پایدار ماند و فقط از آغاز قرون یکم هزاره یکم بود که اولین دگرگونی های بزرگ ساختمانی جمعیتی خلق های آسیای میانه به نظر میرسد که آسیای میانه را طور تدریجی به دایره سیستم برده داری شرق میکشیدند . »

در یونان باستان و روم عامل و عنصر اصلی تولید بردگان بودند و تضاد عمده دوران ، تضاد بین اقلیت صاحب امتیاز (اشراف) و غلامان یعنی تولید کنندگان اصلی جامعه بودند ، در حالیکه در آسیای میانه و افغانستان تولید کنندگان عمده جامعه مردم آزاد بودند که غلامان هم جزء آنها محسوب میگردید ، چنانچه مؤلف کتاب تاجیکان شرایط نظام برده داری آسیای میانه را چنین تشریح می نماید :

«علی الخصوص در آسیای میانه که عامه اساسی تولید کننده آن ، اهل آزاد جامعه بود تضاد اساسی طبقاتی که به آنها مأخذ قدیم به طور نا روشن خیلی اندک اشاره می نماید ، محض در بین اشراف و کم بغلان آزاد جامعه جای داشت . » دوران جامعه برده داری در آسیای میانه از قرن هفتم قبل از میلاد تا قرن سوم و یا چارم میلادی که در مجموع در حدود یک هزار سال را احتوا میکند محاسبه میشود و آنرا تحت نام نظام اجتماعی - اقتصادی بردگی یاد می نمایند و در این مقطع زمانی

نقش اهل جامعه آزاد در پروسه تولید چهار آسیای میانه و چه در افغانستان و ایران محسوس تر و برجسته تر است که همین خصلت، شکل جوامع برده داری را در ممالک آسیای فوق الذکر با نظام های بردگی در مصر، یونان و روم تفکیک می نماید.

جواهر لعل نهرو مناسبات نظام بردگی را در ممالک هند و چین در «نگاهی به تاریخ جهان» به عبارت خیلی ساده و علمی اینطور تشریح می نماید:

«در هر دو کشور چین و هند استفاده از غلامان به آنصورت که در یونان و روم و یا پیش از آنها در مصر رواج داشت مرسوم نبود. یک نوع خدمتگاران خانگی بودند که غلام شمرده می شدند و در خانه ها کار میکردند اما وجود آنها تغییر عمده ای در وضع اجتماعی به وجود نمی آورد. وضع اجتماعی این کشورها بدون وجود آن غلامان خانگی هم ادامه می یافت. در صورتیکه در یونان و روم باستانی چنین نبود. در آنجاها غلامان که تعدادشان بسیار زیاد بود یک عامل اصلی حساب می شدند و بار واقعی تمام کارها بر دوش ایشان بود. در مصر نیز همانطور بود. اگر کار و زحمت غلامان نبود اهرامهای بزرگ مصر چگونه بوجود می آمد؟»

داکتر سید هاشم صاعد در مجله «نی نامه سال دوم شماره چهارم، ۱۳۶۶ هـ ش» عامل «کمبود قطعات وسیع اراضی قابل زرع و مشکل آب و آبیاری» را علت عدم اوج گیری و تعمیق مناسبات برده داری در افغانستان دانسته و مینویسد:

«افغانستان قبل و بعد از آغاز مناسبات فیو دالی تا ابقای رسم غلامی، بنا بر کمبود قطعات وسیع اراضی قابل زرع و مشکل آب و آبیاری از وجود بردگان به حیث مؤلدان اجتماعی که بایستی شیوه مسلط تولید بردگی را فراگیری ساختند، استفا ده نتوانست. بنا بر این برده با داشتن یک تعداد حقوق بیشتر در امور غیر اقتصادی مشغول بود به مجرد آزاد شدن بدون محدودیت های حقوقی و قضائی در ردیف روستایان آزاد قرار میگرفت.»

مناسبات برده داری در نیم قاره هندوستان، طوریکه قبلاً تذکر رفت، بی شباهت با آسیای میانه و مناطقی همجوارش نبود، زیرا در هندوستان هم برده در پروسه تولید نقش تعیین کننده و قابل ملاحظه نداشت. چنانچه والتر روبن عالم المانی عقیده دارد که در هندوستان تعداد بردگان زیاد بود، ولی مستقیماً در تولیدات هم در اقتصاد روستا و هم پیشه وری آنها مقام بلند نداشتند، زیرا ثمره آنها زیاد نبود. (۸)

به صورت عموم مؤرخین نقش انکشاف ضعیف تولیدات مالی در ممالک آسیائی را در مقایسه با جهان باستان (روم و یونان)، یکی از عوامل عدم رشد همه جانبه و فراگیر مناسبات جامعه بردگی میدانند.

در کتاب «افغانستان در مسیر تاریخ» تألیف روان شاد میر غلام محمد غبار نیز تفاوت های در خصوصیت ساختمان جامعه بردگی در مقایسه با ممالک غربی به چشم میخورد، چنانچه غبار می نویسد:

«در اجتماع افغانستان آن عهد از قرن سوم تا اول قبل از میلاد - مناسبات بردگی افغانستان، شدت فیو دالیتی هندوستان را نداشت.»

اگر چه مناسبات نظام بردگی در منطقه و افغانستان از آغاز قرن سوم در حالت از هم پاشیدگی است اما عناصر و آثار آن تا مدت ها بعد و حتی آغاز قرن بیستم (۹) در اطراف و اکناف کشور به مشاهد می رسد.

**۳ - نظام فیو دالی:** فیو دالیسم عبارت از اصول و سیستم اداری حکومت ملوک ا لطوایفی است که از بطن شیوه های مسلط بردگی به وجود آمده (البته در اروپا، اما در ممالک آسیائی و افغانستان شکل دیگری دارد) و بیشتر از هزار سال را دربر میگیرد. همانطوریکه نظام بردگی اروپا دارای خصلت و ویژگی منحصر به خود بوده نظام فیو دالی آن نیز با ممالک آسیائی کاملاً یکسان نمیباشد. برای روشن شدن این مطلب اینک فیو دالیسم غرب را خیلی مختصر و گذرا به بررسی میگیریم:

زمینه سقوط و زوال امپراتوری روم در اثر عوامل متعدد من جمله جنبش های انقلابی بردگان، پیروزی و غلبه بربرها (۱۰) در اواخر قرن پنجم میلادی مهیا گردید و تضاد های طبقاتی بین اشراف، برده داران و بردگان اوج گرفت و این وضع باعث اضمحلال و از هم پاشی نظام قبلی (بردگی) و گسترش نظام فیو دالی قرون وسطائی که در آن زمان پدیده نسبتاً نو تر

بود، گردید . نظام فیو دالی که بیشتر از هزار سال دوام کرد ، در اروپا از قرن دهم تا دوازدهم به اوج خود رسید و در این مدت تقریباً به تمام جنبه های اقتصادی و اجتماعی نفوذ کرد و آنها را به شیوه جدید منسجم نمود .

پو ها ند (۱۱) سید سعدالدین ها شمی خصوصیات جا معه فیودالی اروپا را چنین بیان می نماید :  
« از مشخصات بارز این دوره نفوذ عقاید سیاسی تیوتون ( قدرت دولت ناشی از قدرت ملت است ) ، فیودالیزم ( با چار مشخصه : اقتصاد طبعی ، تولید کوچک ، استثمار دهقان و تکنیک ابتدائی تولید ) و منشور کبیر – ۱۲۱۵م است . »  
این نظام اجتماعی – اقتصادی مسلط جهانی که از قرن پنجم میلادی تا اواسط قرن هفدهم دوام کرد بالاخره مورد هجوم رقبای گوناگون قرار میگیرد :

- نارضایتی و تنفر مردمان شهر ها نیکه از لحاظ قدرت اقتصادی در حال رشد بودند، غلبه نجیب زادگان و اربابان روز به روز افزوده می شد .

- کلیسا در اضمحلال فیو دالیزم اروپا نقش داشت ، زیرا که تأسیسات و قوانین فیودالی چنان با مقامات غیر روحانی درگیر شده بود که احساس روحانیت را بر علیه خود به شدت بر می انگیزت .

- بالاخره مطالعه مجدد قانون روم مفاهیم قانونی را که در بنیان فیودالیزم قرار داشتند ضعیف کرد و موجبات جاگزینی آنرا توسط سیستم های برتر فراهم آورد . (۱۲)  
ادامه دارد

ان عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به ادرس ذیل تماس بگیرند:

**Dr. Ajruddin Hashmat**  
**97 Forest Heights Str.**  
**Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada**  
**Tel (905) 665-8767**